گفت‌وگو با بهنام کامرانی به بهانه برگزاری نمایشگاه ایرانگردی بر روی اسکناس در نگارستان «آن»

خودم را به نفع تاریخ حذف کردم

اسکناس انتزاعی ترین و پویا ترین قرارداد جهان است که سیاست و فرهنگ ملی آن را سر پا نگاه می دارد. در عین حال اسکناس ها در ملل مختلف جهان بار معنایی خاص خود را دارد. به شکلی که با نگاه به آنان می توان پاره ای از مسایل اجتماعی و همچنین سیاسی جوامع را مورد بررسی قرار داد. بهنام کامرانی در نمایشگاه اخیر خود که در نگارستان ان برگزار شد،از مناظر اسکناس های دوره های مختلف تاریخی بهره برده و با اضافه کردن نشانه ها و عناصر خوانشی جدید را پیش روی مخاطب قرار داده است. به همین بهانه با وی به گفت و گو نشسته ایم :

– انتخاب اسکناس‌ها همان‌طور که «اندی وارهول» به آن اشاره کرده و در بروشور نمایشگاه نیز آمده است به خاطر انتزاع محضی بوده که در این پدیده وجود دارد یا دلیل خاص دیگری وجود داشته است که تصمیم گرفتید آن را موضوع نمایشگاه اخیرتان قرار دهید؟

به هر حال اسکناس پدیده‌ای است که ما از ابتدای زندگی به شکل خواسته و ناخواسته با آن مواجه بوده‌ایم. از کودکی عیدی‌هایی که می‌گیریم همین اسکناس‌ها هستند و طبیعتاً من نیز خاطره‌های بسیاری از آن داشته‌ام. ضمن اینکه پدرم یک کلکسیون کوچک از اسکناس‌های دوره‌های مختلف داشت. اما من در این نمایشگاه می‌خواستم روی منظره‌ها کار کنم و دنبال سوژه‌ای متفاوت بودم و به شکل اتفاقی موضوع مناظر اسکناس توجهم را به خود جلب کرد. مناظری که در اسکناس‌های دوره‌های مختلف تاریخی ایران وجود دارد، متعلق به نقاط مختلف ایران است و در کنار فضاهای طبیعی، بناهای تاریخی‌ای را نشان می‌دهد که به دلایل گوناگون از بین رفته‌اند، تغییر شکل داده‌اند یا مورد تهدید قرار گرفته‌اند. در عین حال خود شکل اسکناس از لحاظ گرافیکی دارای عناصر متفاوتی است و این عناصر که از نقش، عدد و شکل تشکیل شده‌اند، این امکان را به من می‌داد تا از این سوژه استقبال کنم، یعنی این امکان را داشتم تا عناصری را که می‌خواستم وارد کار می‌کردم و به وسیله آن فضای سوررئالیستی را که در ذهنم بود، تشدید کنم.

– خب همان‌طور که شما اشاره کردید اسکناس‌ها خود سرشار از نشانه هستند، حال شما به آنها تمثیل‌ها و نشانه‌های فراوان‌تری را نیز اضافه کرده‌اید. درهم‌آمیزی این نشانه‌ها مخاطب را از آنچه می‌خواستید، دور نمی‌کرد؟

ببینید من نمی‌خواستم یک بروشور از مناظر ایران را به مخاطب نشان دهم. در نظر داشتم از آنها در جهت هدفی که می‌خواهم بهره‌برداری کنم و به همین دلیل نشانه‌هایی به آن اضافه کردم. از طرفی این اسکناس‌ها واقعاً زیبا هستند و بسیاری از گرافیست‌هایی که روی آنها کار کرده‌اند، ایرانی نیستند، اما با این وجود زحمت بسیاری روی عناصر نقش و... آن کشیده‌اند. به همین خاطر است که این اسکناس‌ها وقتی بزرگ می‌شوند، بسیار بیشتر به چشم می‌آیند.

– اینها برای یکی دو نسل اخیر غریبه هستند. این به رمزآلودگی کار بیشتر می‌افزاید یعنی اینکه هر کدام از این عناصر خواه‌ناخواه خود بدل به تمثیل می‌شوند.

بله، نسل جوان‌تر با خیلی از این اسکناس‌ها بیگانه است و آنها را ندیده است، بنابراین باید به شکل یک سند تاریخی نیز مورد توجه قرار گیرند. من حتی اگر چیزی روی اینها نمی‌کشیدم و به همان شکل ارائه می‌دادم، جنبه‌های زیبایی‌شناختی‌شان می‌توانست بیننده را جلب کند. منتها می‌خواستم از آن حالت سند فراتر روم و یک تلنگر طنزآمیز و تفکرآمیز به اینها هم بزنم.

– البته منظور من هم مستندنگاری صرف از مناظر یا بناهای تاریخی نبود، اما خواه‌ناخواه تعدد این نشانه‌ها کارها را پیچیده کرده است که در نوع خود اشکالی ندارد. مشکل این است که کسی که در معرض این آثار قرار می‌گیرد، چه امکانی برای درک آنان دارد؟

از نظر معنایی این چیزی که شما می‌گویید درست است، اما در این آثار چند اتفاق رخ داده است که مهم‌ترین آن تغییر مقیاس اسکناس است یعنی این آثار بزرگ شده‌اند و سپس عناصری دیگر به آنها اضافه شده است، ضمن اینکه این نشانه‌ها و عناصر در برخی کارها بیشتر و در برخی دیگر کمتر است که کاملاً بستگی به فضای خود اسکناس‌ها داشته است. برای مثال در کارهای آخر که شاید گرافیک خود اسکناس‌ها نیاز به عناصر متعدد نداشته است. من نیز نشانه‌های کمتری به کار برده‌ام. هر چه هست، نتیجه کار به شکلی رقم خورد که اسکناس‌های خودم را خلق کردم، یعنی آنها را از تفسیر تاریخی‌اش جدا و با تغییر شکل، آن را به اثر جدیدی تبدیل کرده‌ام. همان‌طور که گفتم بسیاری از این نشانه‌ها نقش طنزآلود، اجتماعی یا انتقادی ایفا می‌کنند. در واقع به خاطر نوع محتوایی که انتخاب کردم، نمی‌خواستم یک محصول چشم‌نواز ارائه داده و مقابل چشمان بیننده بگذارم. طبیعی است که اسکناس‌ها از یک واقعیت اجتماعی- تاریخی می‌آیند و عناصری که به آن اضافه کرده‌ام، باعث شده یا آن واقعیات زیر سوال روند یا اینکه تشدید شوند و در جاهایی نیز طنزآمیز به نظر آیند. به هر روی می‌خواستم بیننده بعد از دیدن این آثار به فکر فرو رود.

– این اسکناس‌ها همان‌طور که خودتان اشاره دارید، آثار شماست، اما این شیوه کار هم شیوه نقاشی شماست؟ این را از جهت تفاوتی که میان این آثار و آثار قبلی‌تان دیده می‌شود، می‌گویم.

اگر می‌خواستم یک اثر انتزاعی را با ضرب قلم خاص خودم خلق کنم طبیعتاً شکل کارم بیشتر دیده می‌شد. می‌خواستم خودم را به نفع تاریخ و اسنادی که ارائه می‌دهم، حذف و نقش تکنیک و استایل را کم کنم.

– صرف نظر از عناصری که به کار اضافه شده است، در خود شکل و گرافیک اسکناس‌ها دخل و تصرفی صورت نگرفته است؟

به هیچ‌وجه. همه این آثار از اولین منظره‌ای که پشت اسکناس چاپ شده است تا آخرین منظره در اسکناس‌های دوره‌های مختلف ما به همین شکل وجود داشته است. البته در این نمایشگاه فرصت نشد از اسکناس‌های متاخر استفاده کنم، مگر دماوندی که در پشت هزار تومانی است و به شکل ویدئو ساخته شده است.

–این اسکناس‌ها مربوط به چه دوره زمانی است؟

از اوایل پهلوی اول تا بعد از انقلاب. البته ما در دوره ناصرالدین‌شاه هم اسکناس‌هایی داریم، اما پشت آنها منظره‌ای وجود نداشته است، جالب است که در دوره‌هایی پشت اسکناس‌ها از طبیعت یا بناهای تاریخی استفاده می‌شده، اما عنوان آن ذکر نمی‌شده است، البته ما می‌توانیم آنها را حدس بزنیم.

– مانند اثر «خواهران در پاسارگاد» که در اسکناس نام آن آورده نشده، اما هم بیننده با آن آشناست و هم نامی که شما برای کار انتخاب کرده‌اید، این مساله را تفهیم می‌کند. اما جدای از این، مساله این است که تاکنون هنرمندان بسیاری روی این سوژه کار کرده‌اند، مثلاً چند وقت پیش «پیمان هوشمندزاده» نمایشگاه عکسی را با استفاده از اسکناس‌ها برگزار کرد. می‌خواهم بگویم این ایده چندان بکر نبوده و با این حال شما بار دیگر از آن استفاده کرده‌اید. چرا؟

بله همان‌طور که شما اشاره کردید، کار روی اسکناس‌ها ایده جدیدی نیست. اما این فرقی در اصل ماجرا نمی‌کند مثل طبیعت بی‌جان که سال‌هاست هنرمندان بسیاری از روی آن کار می‌کنند. در این سال‌ها هنرمندان داخلی و خارجی بسیاری نیز روی اسکناس‌ها کار کرده‌اند، اگرچه این ایده برای اولین بار به ذهن «اندی وارهول» رسید. اما در عین حال مساله مهم این است که هر هنرمندی که روی این موضوع کار کرده معناها و ایده‌های شخصی خودش را به آن اضافه کرده است. این نمایشگاه قرار بود ابتدا در گالری دیگری به نمایش درآید که متاسفانه به خاطر تعطیلی گالری این امکان به وجود نیامد. همان زمان می‌دانستم که پیمان هوشمندزاده نیز مشغول کار با اسکناس و همچنین عکس‌هایی است که خود گرفته است. در واقع او با عناصری که خودش عکاسی کرده به این ماجرا نگاه کرده است و بیشتر ارجاع او به عناصر ساده زندگی روزمره بود. اما به هر حال کمتر کسی را سراغ دارم که روی منظره اسکناس کار کرده باشد. البته به تازگی چند هنرمند جوان نیز هستند که روی این سوژه کار می‌کنند از جمله لادن بروجردی که نگاه‌های متفاوتی به این سوژه داشته‌اند. اینها را گفتم تا به این مساله اشاره کنم که ایده کار کردن با اسکناس‌ها مهم نیست، مهم این است که چطور با آن کار می‌کنیم و به آن تازگی می‌دهیم.

– به نظر می‌رسد این نشانه‌ها و عناصری که در کار اضافه شده‌اند، به نوعی ارتباط مضمونی با گرافیک اسکناس‌ها دارند. برخی آشکارتر است مثل اسکناسی که سد امیرکبیر در آن وجود دارد و شما تصویر این هنرمند را روی آن کشیده‌اید و برخی مبهم‌تر مثل کوتوله‌هایی که در کاخ گلستان به تصویر کشیده شده‌اند.

همین‌طور است. البته تعدادی از این عناصر کاملاً فی‌البداهه به کار اضافه شدند و تعدادی از آنها در پی دادوستد معنایی که با آن پیدا می‌کردم، خود را به اثر تحمیل کردند. برای مثال من به اسکناسی اشاره می‌کنم که پل ورسک را به تصویر کشیده است. در آنجا یک دره وجود دارد و یک قطار که از آن رد می‌شود، اما من «ایو کلین» را که یک هنرمند مهم قرن بیستم است، نقاشی کردم. این هنرمند به رنگ آبی علاقه بسیاری داشت و آن کار معروفش که یک مونتاژ عکس است و دارد خودش را از پنجره خانه کسی که کارهایش را می‌فروخته پرت می‌کند. من این نماد را برداشتم و آن را وارد فضای این اثر کردم. در عین حال چمدان‌ها اشاره‌ای به قطاری دارند که از روی پل در حال گذر است. در واقع من با چیزهایی که در نگاه اول شاید از هم دور به نظر بیایند و در کنار هم قرار دادن‌شان، یک چرخش معناشناسی به وجود آوردم و خوانشی جدید از آن منظره شکل داده‌ام. در بقیه آثار نیز همین اتفاق رخ داده است. در اسکناسی که تصویر پالایشگاه آبادان آمده است، شتری را کشیده‌ام که این شتر و فیگورش از یکی از عکس‌های قدیمی قاجار اقتباس شده است. این اثر را می‌توان این گونه خوانش کرد که خارجی‌ها با آن نگاه پسااستعماری به ما نگاه می‌کنند و همچنان ما را با شترسواری و داشتن نفت می‌شناسند. آن شکل خاص هندسی هم به نوعی توهم‌زاست. خود نفت که هم برای ما و هم برای کسانی که به آن چشم دوخته‌اند این توهم را ایجاد می‌کند. کبریت‌های سوخته هم این مساله را تشدید می‌کنند. من کنار این اثر بخشی از قرارداد دارسی را هم گذاشته‌ام که اولین قرارداد نفتی ایران بوده است.

– این عناصر چرا در برخی کارهای دیگر تجانسی با هم ندارند؟ برخی‌هایشان از تاریخ هنر می‌آیند و برخی دیگر تمثیل‌های آشنایی هستند که با فرهنگ و هویت ما در ارتباطند و برخی نیز از زندگی روزمره و به خصوص مدرن وام گرفته شده‌اند.

می‌خواستم از عناصری استفاده کنم که نهایی و در عین حال پرقدرت باشند، ضمن اینکه عدم تجانس در خود اسکناس‌ها نیز وجود دارد. من هم این عناصر را در نگاه اول کاملاً بی‌ربط انتخاب کردم اما با توجه دوباره، بیننده خودش روابط را کشف می‌کند.

– بی‌ربط؟

منظورم این نیست. شاید به این خاطر از این واژه استفاده می‌کنم که در نگاه اول بی‌ربط به نظر می‌آیند اما نهایت این است که یک ارتباط درونی و ارگانیک با همدیگر دارند. مثلاً وقتی من دو مردی را انتخاب کردم که در حال انجام یک عمل ژیمناستیک هستند، خب این با موضوع هواپیما می‌تواند از لحاظ شکلی ارتباط داشته باشد و آن حالت بادکنک بودن و به هوا رفتن را نیز القا کند. اینها به هم ربط دارند، اما به لحاظ شکلی با هم بی‌ربطند. یا جایی که پنکه کشیده شده است و امیرکبیر انگار بادی دارد او را با خود می‌برد و این با پنکه ارتباط برقرار می‌کند، در عین حال رد خونی که از دست‌هایش آمده است از لحاظ فرمی به آن کابل‌هایی که در تصویر وجود دارد، ارتباط دارد. به هر حال عناصر در نگاه اول یک رابطه سوررئالیستی با یکدیگر دارند. ولی از لحاظ معناشناسی یا فضاسازی کاملاً به موضوع کمک می‌کند. خیلی از این اشیا مدرن هستند. مثلاً موتورسیکلت آبی‌رنگ در فضای خاص اسکناس عالی‌قاپو یک کار خیلی خاص، مدرن و پرقدرت به نظر می‌رسد. گاهی به این وسیله، به اشیا نقش داده‌ام. شاید می‌خواستم بگویم نباید ساده از کنار این اشیا گذشت. این اشیا پرگفت‌وگو هستند و مخاطب مجبور است فکر کند. خودم این مساله را نقطه قوت نمایشگاه می‌دانم. اینکه در زمانی که بسیاری از تصاویر از معنا تهی است، ما به تصاویری نیاز داریم که به آنها فکر کنیم.

– دلیل اینکه همگی این عناصر خارج از کادر قرار گرفته‌اند، توجه دادن دوباره مخاطب به این عناصر است یا گرافیک خود اسکناس‌ها؟

می‌خواستم حالت الصاق بودن‌شان را تشدید کنم. این آثار در میان تصویرسازی، کلاژ و نقاشی سیر می‌کند و شاید جنبه تازه‌شان از اینجا نشات می‌گیرد. اگر این عناصر را با همان رنگ منظره و متناسب با گرافیک اسکناس‌ها کار می‌کردم، این کارکرد را نداشتند.

– با توجه به اینکه نمایشگاه دو هفته را پشت سر گذاشت،چقدر مخاطبان خوانشی متفاوت از شما داشتند؟

بسیار. گاهی نگاه آنان عمیق‌تر یا کاملاً متفاوت از من بود.

– در این آثار چرا انسان‌ها هویت مستقلی ندارند، یا کمتر دیده می‌شوند یا اینکه حتی اگر حضور دارند، با چهره‌ای مسخ‌شده و بی‌روح از آنان مواجهیم؟

اتفاقاً به نظر من انسان‌ها در این منظره‌ها هویت‌هایشان تشدید شده است. مثلاً وقتی من کوتوله‌های قاجار را بر اساس عکس مستندی از دوران ناصرالدین‌شاه کشیده‌ام که هم‌اکنون فراموش شده‌اند، یک یادمان برایشان خلق کرده‌ام. این بار ما اسکناسی را می‌بینیم که علاوه بر کاخ، نوکرهایش را هم نشان می‌دهد. تعدادی از این عکس‌ها مربوط به پدرم است. مثلاً در گذشته در رامسر اردوهایی برای دانش‌آموزان یا دانشجویان می‌گذاشتند یا آن عکس خاص که در تخت جمشید است، نامجو وزنه‌بردار معروف را نشان می‌دهد که روی شیر تخت جمشید فیگور خاصی را گرفته است، بنابراین اینها اتفاقاً هویت این آدم‌ها را تشدید می‌کند. من منظره را نکشیده‌ام اتفاقاً انسان‌ها و عناصری را خلق کرده‌ام که باعث می‌شود این انسان‌ها بیشتر دیده شوند. در واقع به آدم‌ها در آن منظره‌ها نقش داده‌ام. شاید این مسخ‌شدگی از جایی به ذهن می‌آید که تعداد زیادی از این انسان‌ها از عکس‌های قاجار گرفته شده است و به خاطر حالت سیاه و سفید اینها شاید کمی مسحورشده به نظر بیایند. از طرفی زنان نوازنده در پل حافظیه همزمان هستند با دوران قاجار. مساله‌ای که در این میان برایم اهمیت داشت، اتفاقاً همین سند تاریخی بودن‌شان است. معمولاً عکس‌هایی هستند که دارای شناسنامه تاریخی هستند. مثل آن دو نوازنده تار که استاد علی‌اکبر شهنازی و پدرش را نشان می‌دهد و عکس معروفی است. شاید اقتباسی بودن اثر مرا به این سمت برد. من شخصیت‌ها را خودم خلق نکردم، از عکس‌ها گرفتم. کمترین دخل و تصرف را در شکل نقاشی کردم تا این موضوع اقتباسی بودن را حفظ کنم.

– با این حساب تک‌تک این آدم‌ها سبقه مستند و واقعی دارند، یعنی ما با هیچ انسان فرضی‌ای روبه‌رو نیستیم؟

کاملاً. حتی اشیایی که من کشیده‌ام هم چنین خصوصیتی دارند، به خصوص آثار هنری. مثلاً آن کوسه‌ای که در میدان آزادی کشیده شده است، اثر دامین هیرست از هنرمندان مهم قرن بیستم است که یک کوسه را درون ماده فرمالین نشان می‌دهد. کوسه هم ترساننده است و هم خودش مرده است. اتفاقاتی که در دوران انقلاب در این میدان رخ داده است با این اثر هنری نمادین کرده‌ام. در عین حال این یک ساختار است که در کنار ساختار میدان آزادی در کنار هم قرار می‌گیرد. یا در اثری که پل الله‌وردی‌خان اصفهان است خود پل با حالتی که آن پهلوانان گرفته‌اند ارتباط نزدیکی دارد. پهلوان خود حالتی از پل دارد که دو نفر بر دستانش ایستاده‌اند و میل‌های زورخانه‌ای شبیه پایه‌های پل است. فولکسی که در حال غرق شدن است به همراه ماهی مرده مسائل زیست‌محیطی زاینده‌رود را به شکل خیلی غیرمستقیم بیان می‌کند. می‌خواستم شکل معنایی و تشدیدکننده به کار بدهم. در برخی موارد اینها را طنزآمیز کرده‌ام، البته طنزی گروتسکی چون هم به فاجعه اشاره دارد و هم موقعیتی طنزآمیز دارد.

– با توجه به اینکه تمامی این اسکناس‌ها قدیمی هستند و اسکناس‌های یک دهه اخیر جز یک کار کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌توان این گونه تلقی کرد که این نمایشگاه همچنان ادامه خواهد داشت؟

البته اسکناس‌های بعد از انقلاب گرافیک جذابی ندارند و در این میان تنها تعدادی از آنها مثلاً ۱۰ هزار تومانی اخیر زیباتر به نظر می‌رسد، ضمن اینکه در تعدادی از اسکناس‌های جدید اماکن متبرکه وجود دارند که نمی‌شود با آنها بازی چندانی انجام داد. به هر حال گمان می‌کنم که همچنان دوست دارم روی اینها کار کنم اما این یک پروژه موقتی است.

روی بوم

«گزارش جن‌زدگی در عصر حاضر» در گالری مهروا

نمایشگاه آثار فتوگرافیک امین شاهد از ۲۳ مهرماه در گالری مهروا برپا می‌شود. نمایشگاه «گزارش جن‌زدگی در عصر حاضر» مجموعه‌ای از آثار فتوگرافیک امین شاهد است. او در مقدمه کوتاهی بر مجموعه اخیر خود نوشته است: «آنچه را که در این نمایشگاه «جِن» می‌نامم، ممکن است درونیات هر انسانی در زندگی روزمره خود باشد. جِن اما در روایات و حکایات، چیزی است مبهم که هنوز موجودیتش برای عموم مورد تردید است، و این می‌تواند همان ذهنیات و برداشت ما از خود یا از یکدیگر تعبیر شود و شاید طعنه‌ای باشد به حال و روز «شترگاوپلنگِ» ما.» این نمایشگاه تا ۵ آبان‌ماه به نشانی خیابان کریمخان زند، خیابان شهید عضدی(آبان جنوبی)، شماره ۳۸ ادامه دارد.

منتخب آثار احمد نادعلیان در ماه مهر

نمایشگاه منتخب آثار «احمد نادعلیان» از ۲۶ مهرماه در گالری ماه مهر برپا می‌شود. نمایشگاه منتخب آثار این هنرمند محیطی شامل «حجاری، خاک نقاشی، پیکره‌ها و مهره‌ها» می‌شود. نادعلیان یکی از چهره‌های شناخته‌شده هنر محیطی در عرصه بین‌المللی و داخلی است که بیشتر در طبیعت زندگی و کار می‌کند. او مدام به گوشه و کنار جهان سفر می‌کند و آثارش را در بیش از ۴۰ کشور دنیا پراکنده است. بیشتر کارهای نادعلیان به صورت محیطی و در طبیعت کشورهای مختلف جهان اجرا شده‌اند. این نمایشگاه تا ۱۷ آبان ادامه خواهد داشت. عصر روزهای ۲۶ مهر تا ۹ آبان نیز با حضور هنرمند کارگاه‌های عملی برگزار خواهد شد.

عکس‌های «روزشماری» و «دریایی» در گالری راه‌ابریشم

نمایشگاه عکس‌های علی زنجانی و محمدرضا میرزایی از جمعه در گالری راه ابریشم برپا شده است. مجموعه عکس‌های علی زنجانی «روزشماری» نام دارد و مجموعه کارهایی از فضای تهران را ارائه می‌کند. او در یادداشت کوتاه خود درباره این عکس‌ها نوشته است: «ترجمه‌ای که پیش روی شماست عکاسی از پیرامون شهری است که در آن زندگی می‌کنم. یک تجربه کاملاً آزادانه است که سعی در انگشت‌نشان کردن چیزی یا جایی یا به تصویر کشیدن زیبایی و زشتی ندارد، بلکه فقط آن چیزی که دیده‌ام را به نمایش گذاشته‌ام.» زنجانی در این مجموعه ۱۹ عکس رنگی در اندازه‌های متفاوت را که طی یک سال اخیر عکاسی شده به نمایش می‌گذارد. اما مجموعه عکس‌های محمدرضا میرزایی «دریایی» نام دارد.

نمایشگاه «عکس اندرونی» از جمعه در گالری هما

نمایشگاه عکس «اندرونی» به کوشش آرمان استپانیان و با آثاری از عکاسان معاصر ایرانی در گالری هما عرضه می‌شود. در این نمایشگاه که به کوشش آرمان استپانیان جمع‌آوری شده است، عکس‌هایی از صادق تیرافکن، رعنا جوادی، گوهر دشتی، محسن راستانی، ندا رضوی‌پور، نازلی عباس‌پور، شادی قدیریان، بابک کاظمی، سارا کربلایی، آنگینه گالستانیان، فرشید مثقالی، مهدی مقیم‌نژاد، شبنم نجیمی، غزاله هدایت، پیمان هوشمندزاده و آرمان استپانیان به نمایش درمی‌آید. این نمایشگاه روز جمعه ۲۳ مهر از ساعت ۱۶ تا ۲۰ افتتاح شده و بازدید برای عموم از ۲۴ تا ۲۸ مهرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۳ و ۱۵ تا ۱۹ است.

۱۰ طراح جوان در گالری شیرین

طراحی‌های فیگوراتیو ۱۰ طراح جوان این روزها در گالری شیرین نمایش داده می‌شود. در این نمایشگاه مجید صادقی‌نژاد، زهره هاشمی، مهرداد لرپور، لاله فیروزی، مریم بابایی، رسول اکبرلو، مریم ایزدی‌فر، منصوره پیروی، محمود کاظمیان و دلارام کیا طراحی‌های خود را به نمایش عموم گذاشته‌اند. بیشتر این آثار فیگوراتیو هستند و با مداد، رنگ و روغن روی بوم و کاغذ ترسیم شده‌اند. موضوع و متریال خلق این طراحی آزاد بوده و می‌توان آثار آن را به دو بخش عمده تقسیم کرد. آثاری که در سالن شماره یک گالری نمایش داده می‌شوند سبک رئال دارند و با موضوعاتی نزدیک به هم به لحاظ سبک و تکنیک کار شده‌اند. بخش دیگر کارها در سالن شماره دو تابلوهایی با موضوعات مختلف و طراحی‌هایی آزادتر هستند. این نمایشگاه تا چهارشنبه ۲۸ مهر دایر خواهد بود و علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه (غیر از دوشنبه‌ها) از آثار دیدن کنند. گالری «شیرین» در بلوار اندرزگو، خیابان سلیمی، ساختمان انجمن خوشنویسان واقع است.

«نقش خاطره» ادمان آیوازیان در خانه هنر

از جمعه هفته گذشته ۱۹ تابلوی آبستره ادمان آیوازیان که عنوان «رباعیات» دارند، در گالری الهیه به روی دیوار رفتند و در کنار آن آبرنگ‌هایی از طبیعت شهری و روستایی ایران با عنوان «نقش خاطره» این هنرمند در نگارخانه‌های الهیه و پاسارگاد خانه هنر به نمایش درآمدند. در مجموعه کارهای آبستره، آیوازیان صرفاً برای دو اثر عنوان انتخاب کرده است. یکی «آواز برای کبک» و دیگری «تصویر در تصویر». آثار به تماشا درآمده در این گالری از خانه هنر بین سه تا سه و نیم میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند، اما همه ۳۰ تابلویی که ادمان از مجموعه آبرنگ‌های «نقش خاطره»اش برای نخستین بار در ایران به نمایش گذاشته بود، در نخستین ساعات برپایی نمایشگاه فروخته شد. این تابلوها مناظری از «ابیانه»، «کرمان»، «گچسر» و... بودند.

نمایشگاه عکس «پیوند مهر در ماه مهر» در موسسه خیریه محک

نمایشگاه عکس «پیوند مهر در ماه مهر» با هدف حمایت از کودکان مبتلا به سرطان در موسسه خیریه محک برگزار می‌شود. موسسه خیریه محک در راستای ترویج اندیشه نوین بشردوستانه و اطلاع‌رسانی درباره جوانب مثبت و دوسویه مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها، فعالیت‌های مختلفی را انجام می‌دهد که بیان این مفهوم در قالب هنر، عشق و تدبیر را همراه دارد. این نمایشگاه نیز جلوه‌ای از درک عمیق مفهوم نوین مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها با اتکا به مشاوره اساتید بزرگ عکاسی ایران و در قالب عکاسی از زیبایی‌های طبیعت و اهدای عواید حاصل از فروش آن به زیباترین موجودات جهان، کودکان مبتلا به سرطان متبلور شده است. نمایشگاه عکس «پیوند مهر در ماه مهر» از ۲۴ تا ۲۹ مهرماه برگزار می‌شود.

یادداشت

هادی سیف

به بهانه برگزاری نمایشگاه نقاشی‌های مرجان شکری در خانه هنر

جسارت نقاش

دراز ایامی است که با سروده‌های شاعر رنگین‌کلام و طناز پیام،کیومرث منشی‌زاده، همچو دل‌شیفتگی‌هایم به دیگر اشعار شاعران نوپرداز زندگی کرده‌ام. با این‌روی، حاشا فرصتی پیش آمده باشد، در ستایش شعر معاصر سرزمینم، زان جمله وصف اشعار کیومرث منشی‌زاده، عجب دارم، حالیه همره و همراه نقاشی‌های «مرجان شکری» هم پاره‌هایی از سروده‌های کیومرث منشی‌زاده دلشادم کرده است و هم تابلوهایی برتافته از این اشعار حاصل خلاقیت تحسین‌برانگیز مرجان شکری، نقاشی برخاسته از سالیان سال تعلیم در نقاشخانه دیرینه رفیق نقاش و تندیس گرم «تاها بهبهانی» که نقش‌آفرینی‌هایش را همیشه ارج گذاشته و صاحبدلی‌اش را باور داشته‌ام. بی‌پرده و فاش می‌نویسم که از سرانجام همرهی و همدلی میان سروده‌های منشی‌زاده و نقاشی‌های مرجان شکری به وجد آمدم، تنها نه به دلیل جلال نقش و رنگ‌های نقاش در تجلی سروده‌های شاعر، که تحسین خویش را به پاس آشتی و رابطه از سر احترام و اعتقاد نقاش جوان به سروده‌های شاعری از نسل گذشته و بسا از یاد رفته پیشکش این رویداد سزاوار تامل می‌کنم! چرا که به همه‌گاه ایام انتظار آن داشته‌ام که لااقل نسل صاحب ذوق معاصر ره‌روی کند، تجربه‌های گران‌نسل پیش از خود را در عرصه‌های گوناگون هنر و فرهنگ دیارم، آن هم در شرایطی که از رجعت اغلب آنان به ارجمند میراث تبار هنرآفرین و فرهنگ‌مدار، بی‌پرده و فاش چشم امید دراز ایامی است بربسته‌ام! من، اما، در نگاه به نقاشی‌های مرجان شکری با الهام از سروده‌های کیومرث منشی‌زاده، جسارت نقاش را نخست، در استقلال ذهن و اندیشه و ذوق نقش‌آفرینی‌هایش تماشاگر شدم و زان پس، شگفتا در جلال رنگ‌هایی محدود، گاه حتی تک‌رنگی با روشنی‌ها و تیرگی‌های رنگ، به طور مثال جلال رنگ‌های آبی و سرخ و سبز و سیاه، با لطافتی از جنس سروده‌های منشی‌زاده. تردید و احتیاط داوری را در مقام منتقدی همیشه گریزان از سهل‌پسندی، به کناری می‌نهم، مرجان شکری نقاش جوان و گمنام را خسته نباشی جانانه‌ای می‌گویم و به استمرار این نگاه و نگرش میان دو نسل از قبیله شعر و نقاشی امیدوارم و سخت دل بسته‌ام!